

واکاوی مدل پیاز پژوهش و کاربرست آن در پژوهش علوم اجتماعی

دکتر مهرداد گودرزوند چگینی^۱

دکتر ثمین یوسفی^۲

چکیده

با توجه به اهمیت توسعه روش تحقیق و ساخت طرح تحقیق در پژوهش‌های علوم اجتماعی، این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد سیستماتیک به توسعه روش تحقیق براساس مدل پیاز پژوهشی می‌پردازد. براساس تحلیل مدل پیاز پژوهش، می‌توان گفت این روش برای آینده پژوهی توسعه یافته است. این روش تحقیق بیانگر مروری بر روش‌ها، ابزارهای مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، تکنیک‌های نمونه‌گیری و نحوه تجزیه و تحلیل داده‌های مورد استفاده در مطالعه است. مدل پیاز پژوهش توسط ساندرز و همکاران (۲۰۱۹) توسعه داده شده است و مراحل توسعه روش‌شناسی پژوهش را توصیف می‌کند. این مدل با تعریف موضع فلسفی اصلی شروع و به تدریج به ساخت طرح تحقیق منتهی می‌شود. هر لایه از مدل، مراحل فرآیند مطالعه را به تفصیل توصیف می‌کند. مدل پیاز پژوهش برای هر نوع تحقیق و در هر زمینه‌ای قابل استفاده است. این الگوی چندلایه است که فلسفه، رویکرد، راهبرد، انتخاب، بازه زمانی و روش گردآوری داده‌ها را مشخص می‌کند. این الگوی چندلایه، فرایندهای انجام پژوهش را نشان می‌دهد. براساس این مدل، یک پژوهش از لایه‌های مختلفی تشکیل می‌شود که در آن هر لایه متاثر از لایه بالاتر می‌باشد. براساس این الگو، نخستین مسأله اساسی هر پژوهش، فلسفه تحقیق یا پارادایم حاکم بر آن است. پس از آن باید رویکرد پژوهشی (قیاس یا استقرا) مشخص شود. لایه سوم استراتژی پژوهشی است که براساس روش‌های کمی، کیفی و آمیخته بسیار متنوع است. انتخاب پژوهش می‌تواند تک‌روش، چندروش یا آمیخته باشد. بازه زمانی نیز می‌تواند مقطعی یا طولی باشد. پس از آن باید روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها مشخص شود که در نهایت به ساخت طرح پژوهش منتهی می‌گردد.

واژگان کلیدی: مدل پیاز پژوهش، فلسفه پژوهش، رویکرد پژوهش، راهبرد پژوهش، روش‌شناسی پژوهش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ استاد گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، goodarzvand@iaurasht.ac.ir

^۲ دکتری تخصصی مدیریت رفتار سازمانی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، Yousefi_samin@yahoo.com



مقدمه

تحقیق فرایندی است که از طریق آن می‌توان درباره ناشناخته‌ها به جستجو پرداخت و نسبت به آن شناخت لازم را کسب کرد. در این فرایند از چگونگی گردآوری شواهد و تبدیل آن به یافته‌ها تحت عنوان روش‌شناسی یاد می‌شود. روش علمی یا روش تحقیق علمی، فرایند جستجوی منظم برای مشخص کردن یک موقعیت نامعین است. در روش علمی ابتدا مدل‌ها یا نظریه‌هایی که به نظر می‌رسد ماهیت پدیده را تبیین می‌کنند، قبول می‌شود و سپس نتیجه‌های منطقی از مدل پذیرفته شده استخراج می‌شود و آنها را با توجه به نتایج یافته‌های واقعی می‌سنجند، مدل تعدیل می‌شود و تلاش و جستجو برای تبیین بهتر پدیده ادامه می‌یابد. روش‌پیمای پژوهش مراحل توسعه یک کار پژوهشی را نشان می‌دهد و توسط ساندرز و همکاران (۲۰۰۷) توسعه یافته است. عبارتی لایه‌های پیاز شرح مفصل تری از مراحل یک فرایند پژوهش ارائه می‌دهند. این منجر به یک پیشرفت موثر شده که از طریق آن می‌توان یک روش تحقیق طراحی کرد. سودمندی آن در سازگاری با هر نوع روش تحقیق می‌باشد و می‌تواند در زمینه‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد (Bryman, 2012). ساندرز و همکاران (۲۰۱۲) معتقدند که هنگام استفاده از مدل پیاز پژوهش، باید از لایه بیرونی به لایه داخلی رفت. هنگامی که از بیرون مشاهده می‌شود، هر لایه از پیاز مرحله دقیق تری از فرایند پژوهش را توصیف می‌کند (ساندرز و همکاران، ۲۰۱۹). آن‌ها فرایند تحقیق را به عنوان بازکردن لایه به لایه پیاز می‌دانند، برای اینکه لایه داخلی دیده شود، ابتدا باید لایه بیرونی باز شود. برای دستیابی به یک هدف، باید گام‌های درست برداشته شود، تا هر مرحله از تحقیق بتواند اطلاعات مرحله بعدی را فراهم نماید. به دلیل ماهیت مارپیچی که در شکل نشان داده شده است به این نام نامگذاری شد. برای به دست آوردن بهترین نتیجه از این چارچوب، باید از لایه بیرونی به لایه داخلی برویم. برای توسعه روش تحقیق صحیح، پژوهش علمی با سؤال‌های تحقیق، اهداف و پس از آن مجموعه‌ای از تصمیمات در مورد انتخاب فلسفه تحقیق، رویکرد به تحقیق، سپس طرح تحقیق یعنی انتخاب‌های روش‌شناختی، استراتژی تحقیق و زمان شروع می‌شود. افق و آخرین هسته داخلی، جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها است (Chiffi et al, 2020). روش تحقیق پیاز را می‌توان به سه سطح تصمیم‌گیری تقسیم کرد: سطح اول؛ دو حلقه بیرونی اول، یعنی فلسفه تحقیق و رویکرد تحقیق. سطح دوم طرح تحقیق که شامل انتخاب‌های روش‌شناختی، استراتژی تحقیق و افق زمانی است و سطح سوم؛ شامل تاکتیک‌ها، یعنی هسته درونی روش تحقیق پیاز است که دربرگیرنده جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌باشد. همه لایه‌های پیاز تحقیقاتی به هم مرتبط و وابسته هستند. به عبارت دیگر، انتخاب فلسفه بر رویکرد تأثیر می‌گذارد که به نوبه خود بر انتخاب روش‌شناختی، استراتژی، افق زمانی، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها تأثیر می‌گذارد. برای درک بهتر این روش تحقیق به تشریح یک فعالیت می‌پردازیم. یک پیاز را بردارید و سعی کنید بدون استفاده از چاقو آن را از داخل پوست بگیرید. شما امتحان کردید اما نتوانستید پوست آن را بگیرید، روش سیستماتیک پوست‌کندن آن از بیرون به داخل است و این همان کاری است که ما باید در روش تحقیق پیاز نیز انجام دهیم. در سال‌های اخیر انتقادات شدیدی علیه کمی‌سازی به عنوان نشانه علمی بودن پژوهش‌ها و به خصوص در علوم اجتماعی وارد شده است. از آنجا که عموماً در حوزه علوم اجتماعی و مدیریت ضرورت بررسی و

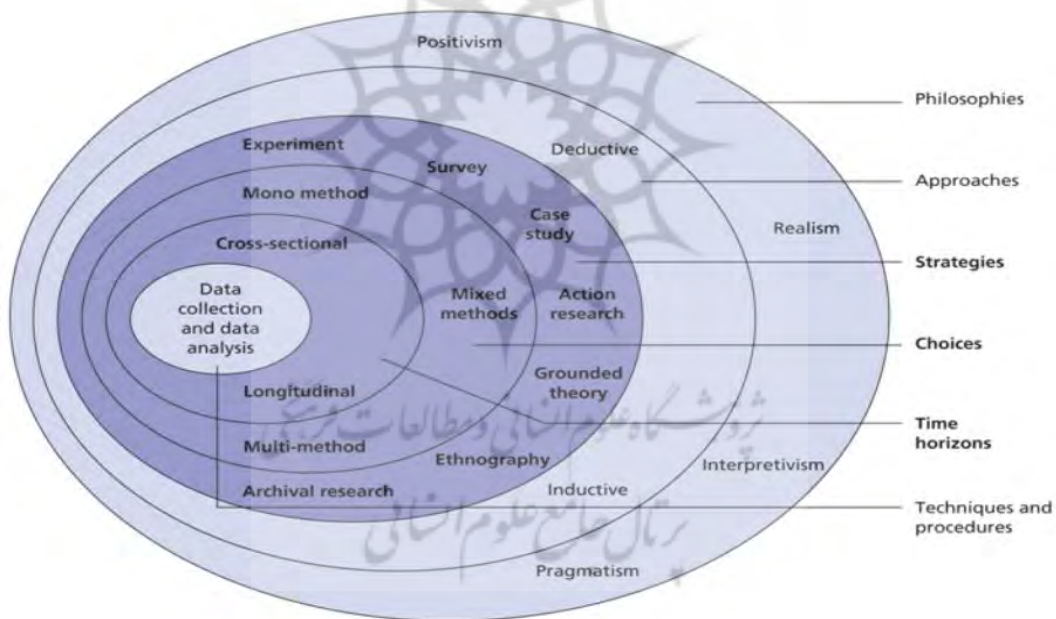


واکاوی مسأله یا موضوع بحث برانگیز وجود دارد و با توجه به اینکه در رابطه با مدل پیاز پژوهش تحقیقات اندکی انجام شده است، مطالعه حاضر به تشریح مراحل گام به گام اجرای مدل می پردازد.

فرایند تحقیق درمدلیپاز پژوهش

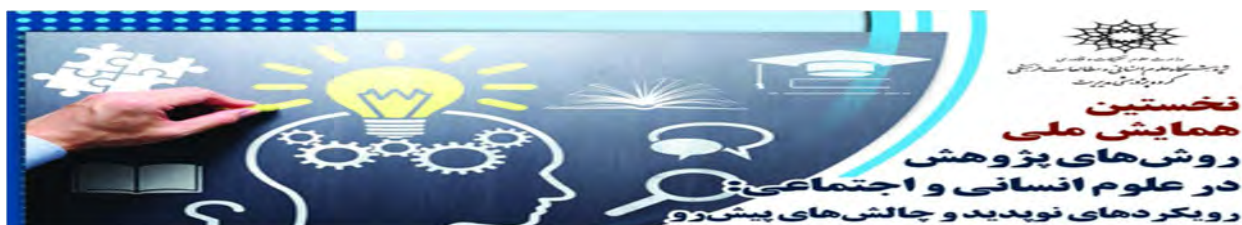
چنانچه در پی انجام یک پژوهش اصولی باشیم که دیگران بتوانند به آن استناد نمایند، باید نشان دهیم که تکنیک‌ها و رویه‌هایی که در مطالعه خود استفاده کرده‌ایم معقول، معتبر، منسجم و مهم‌تر از همه دلخواه نیستند. بنابراین اگر تصمیمی در مورد نحوه جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت دلخواه گرفته شود، این احتمال وجود دارد که کار علمی برای دیگران ارزش چندانی نداشته باشد. در مقابل اگر به عناصر اساسی طراحی پروژه تحقیقاتی خود فکر کنیم و چگونگی ارتباط همه این عناصر طراحی را در نظر بگیریم و آنها را توضیح و توجیه کنیم، دیگران میتوانند به کار پژوهشی انجام شده استناد نموده و یافته‌های آن را قابل اعتماد بدانند (Thornhill&Saunders,2019). شکل(۱)

مراحل مدل پیاز پژوهش را بصورت خلاصه نشان می دهد.



شکل(۱). روش پژوهش پیاز (Saunders et al., 2011)

لایه اول نشان دهنده جهان بینی و نوع نگاه پژوهشگر به جهان است. هر پژوهش به یک شالوده یا بنیاد برای مطالعه نیاز دارد و پژوهشگران باید از جهان بینی‌هایی که به صورت ضمنی در مطالعه خود استفاده می کنند، آگاه باشند. بر اساس این لایه نوع نگاه پژوهشگر اثبات‌گرا به پدیده یا شیء مورد مطالعه متفاوت از نوع نگاه پژوهشگر واقع‌گرا، تفسیری و عمل‌گرا و... خواهد بود. البته هر پژوهشی ممکن است بر یک یا تعدادی از فلسفه‌های پژوهشی استوار باشد. در حقیقت بنا به اینم دل، فلسفه و جهان بینی پژوهشگر، پایه و اساس پژوهش را شکل می دهد، چرا که هر یک از مراحل بعدی پژوهش از انتخاب رویکرد پژوهش تا جمع‌آوری و تحلیل داده، براساس جهان بینی و نگرش پژوهشگر صورت می گیرد.



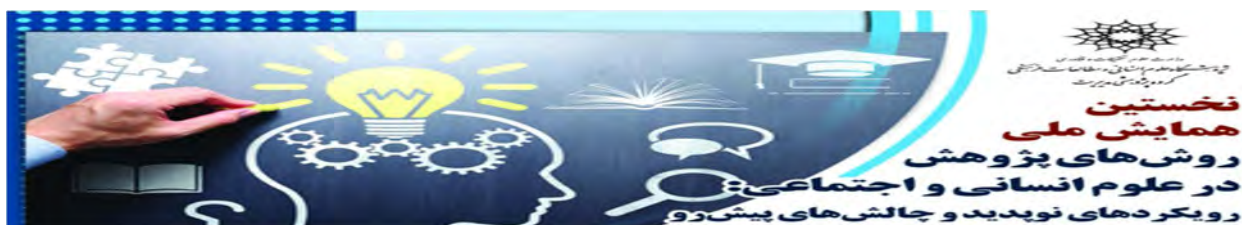
از این رو پژوهشگران می‌بایست در ابتدای هر کار پژوهشی، مبنای فلسفی کار و نوع نگرش و جهان بینی خود را مشخص سازند (Bryman, 2012).

فلسفه تحقیق به مجموعه‌ای از باورهای مربوط به ماهیت واقعیت مورد بررسی اشاره دارد. این تعریف همان ماهیت دانش است. همچنین فلسفه‌های تحقیق می‌توانند در مورد اهداف تحقیق و بهترین روشی که ممکن است برای دستیابی به این اهداف مورد استفاده قرارگیرد، متفاوت باشد (May, 2011). سه فلسفه اصلی وجود دارد که در فرآیند تحقیق حائز اهمیت هستند:

الف- هستی‌شناسی: هستی‌شناسی بیانگر نظریه ایعام می‌باشد درباره اینکه چه نوع چیزهای اجوهه‌هایی در جهان وجود دارند و اشاره به گستره‌ای از هستی‌ها و روابطی است که درون حوزه‌ای خاص از معرفت و تخصص علمی پذیرفته می‌شود. هستی‌شناسی پژوهش عبارت است از مفروضات رویکرد خاصی از پژوهش اجتماعی درباره ماهیت واقعیت اجتماعی. هستی‌شناسی پژوهش بازتاب نگرش پژوهشگر درباره سرشت جهان است و نگرش پژوهشگر درباره آن چه جهان اجتماعی را می‌سازد و چگونگی مطالعه آن را بیان می‌نماید. هستی‌شناسی کم و بیش مطالعه واقعیت است. ماهیت واقعیت را توصیف می‌کند. چه چیزی هنگام انجام تحقیق به ذهن متبادر می‌شود و چه تأثیری بر جامعه و محیط اطراف دارد (Melnikovas, 2018). هستی‌شناسی تفاوت بین واقعیت و نحوه درک شما از واقعیت را پاک می‌کند. علاوه بر این، باعث می‌شود یاد بگیرید که چگونه بر رفتار مردم تأثیر می‌گذارد. بطور خلاصه می‌توان گفت هستی‌شناسی پژوهش توجیه راهبرد خاصی از پژوهش‌های اجتماعی درباره ماهیت واقعیت اجتماعی است. عمدتاً سهم وضع فلسفی تحت جهان بینی هستی‌شناسانه قرار می‌گیرد. هستی‌شناسی شامل عینیت‌گرایی، ساخت‌گرایی و پراگماتیسم (عمل‌گرایی) است (Podsakoff et al, 2012).

عینیت‌گرایی انسان را از یک پدیده اجتماعی و معانی مختلف آن و تأثیراتی که این پدیده‌ها بر بازیگران خود می‌گذارد، آگاه می‌کند. طبق این رویکرد بازنمایی عینی از جهان خارجی فیزیکی و اجتماعی کاری امکان پذیر بوده و دریافت‌های انسانی از امور هرچه باشد، تفاوتی در آن امور ایجاد نمی‌کند. جهانی عینی مستقل از ذهن، دانایی، و خودآگاهی انسان وجود دارد که قانون‌های خودش را دارد و انسان باید آن قانون‌ها را بشناسد (Giddens & Sutton, 2014).

ساخت‌گرایی پیشنهاد می‌کند که این مردم هستند که پدیده‌های اجتماعی را ایجاد می‌کنند. ساخت‌گرایی یک فلسفه تحقیق است که بر مبنای آن رشد انسان به صورت اجتماعی انجام می‌شود. همچنین دانش از طریق کنش متقابل با دیگران ساخته می‌شود. نقطه مقابل اثبات‌گرایی است. پژوهشگران ساخت‌گرا بیشتر بر فرایندهای تعاملی بین افراد متمرکز می‌شود. این پژوهشگران می‌دانند پیش‌زمینه‌های فکری آنها بر تفسیر یافته‌های پژوهش موثر است. بنابراین هدف پژوهشگر، معنابخشی یا تفسیر معانی دیگران از جهان است. بر خلاف رویکرد اثبات‌گرایی، در این رویکرد

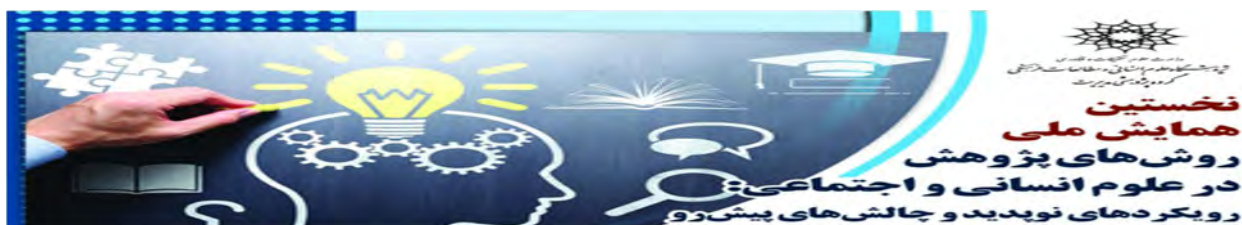


پژوهش به جای مبانی نظری براساس نظریه یا مدلی ذهنی آغاز می‌شود که با رویکردی استقرایی پدید آمده است. رویکرد ساخت‌گرایی بیشتر برای پژوهش‌های کیفی مانند پدیدارشناسی مناسب است (Ejnavarzala, 2019).

پراگماتیسم ریشه آن به واژه یونانی Pragma به معنی «عمل» برمی‌گردد. این فلسفه نخستین بار توسط ویلیام جیمز مطرح شد و اصول و مبانی آن پایه‌گذاری شد. پراگماتیسم یک فلسفه تحقیق است که با اعتراف به غیرممکن بودن اثبات بعضی مسائل، آن‌ها را با توجه به کاربردشان در زندگی انسان می‌پذیرد. در این شیوه از اندیشه فلسفی از زبان و اندیشه به عنوان ابزاری برای حل مساله و پیش‌بینی استفاده می‌شود (Feizer, 2010). پراگماتیسم در بازسازی نظریه و روش در علوم اجتماعی نقش بسیار کلیدی ایفا کرد. این رویکرد در نهایت به همگرایی پارادایمی، تلفیق روش‌شناسی‌ها و اجتناب از تعصب روش‌شناختی انجامید. فرصتی فراهم ساخت تا پژوهشگران بدون نگرانی از مناقشه‌ها و موضع‌گیری‌های پارادایمی و فلسفی بر سر اینکه چه چیزی حقیقت یا چه چیزی عینی و معتبر است، به مطالعات خود ادامه دهند. در این پارادایم، عقلانیت الزاماً به روش واحد برتر تحقیقی تعلق ندارد، بلکه نتایج عملی در فرایند زندگی عملی اصالت دارند (Hideg, 2015). بنابراین پراگماتیسم در پژوهش آمیخته راه را به سوی شیوه‌های چندگانه و جهان‌بینی‌های گوناگون می‌گشاید. از این منظر شاید بتوان گفت شیوه اندیشه و فلسفه عمل‌گرایانه با روش‌های پژوهش آمیخته همخوانی بسیاری دارد. لذا در نخستین لایه از پیاز پژوهش و در انتخاب فلسفه پژوهش می‌توان از پارادایم پراگماتیسم (عمل‌گرایی) استفاده کرد.

ب- معرفت‌شناسی: معرفت‌شناسی نظریه معرفت و ادراک در علم است. معرفت‌شناسی عبارت است از «مطالعه اینکه چگونه و چه چیزی را می‌توان شناخت» و «مطالعه ماهیت معرفت و تجربه». معرفت‌شناسی پژوهش به مفروضاتی درباره چگونگی شناخت هرچه وجود آن پذیرفته شده است، اطلاق می‌گردد. معرفت‌شناسی بیشتر در تحقیقات علمی استفاده می‌شود زیرا تلاش می‌کند تا دانش قابل قبول رایج را بیابد و بر اساس آن به واقعیت‌ها بپردازد. در این روش باید ابتدا دانش قابل قبولی را در مورد زمینه تحقیق خود تعریف کنید و پس از آزمایش‌های دقیق، اطلاعاتی در مورد نتایج ارائه دهید. پوزیتیویسم، رئالیسم انتقادی و تفسیرگرایی، مواضع فلسفی در جهان‌بینی معرفتی هستند (Bryman, 2012).

پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی) واژه پوزیتیویسم در قرن نوزدهم توسط فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی اگوست کنت معرفی شد. کنت بر این باور بود که جبری تاریخی، بشریت را به سمت یخواهد برد که نگرش دینی و فلسفی از بین خواهد رفت. در این شرایط تنها شکلی از اندیشه که باقی می‌ماند متعلق به اندیشه قطعی و تجربی علم است. اثبات‌گرایی به صورت صریح بیان می‌کند دانش تنها از راه تجربه حسی بدست می‌آید (Junjie & Yingxin, 2022). مفهوم علم از فلسفه اثبات‌گرایانه ناشی می‌شود. ویژگی اصلی این فلسفه روش‌مند بودن آن است. پیشوند علم در ابتدای علوم تجربی، علوم انسانی یا علوم اجتماعی بر همین روش‌مند بودن آنها دلالت دارد. بنابراین با گسترش رویکرد پوزیتیویستی به حوزه رفتار انسانی، روش پژوهش در علوم اجتماعی شکل گرفت. اثبات‌گرایی و فرا



اثبات‌گرایی در کنار تفسیر‌گرایی و عمل‌گرایی سه پارادایم اصلی در روش پژوهش هستند. در این پارادایم بر فرضیه‌سازی با تفکر استدلالی از چارچوب نظری پژوهش تاکید می‌شود و بیشتر با رویکردی کمی صورت می‌گیرد. پژوهشگران اثبات‌گرا، اغلب فرضیه‌هایی را برای توصیف موضوع پژوهش تنظیم می‌کنند و آن‌ها را در قالب متغیرهای مستقل و وابسته ارائه می‌دهند. پژوهش‌هایی که هدف آن‌ها آزمون و تأیید یابد روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته با روش‌های آماری است در دسته روش‌های اثبات‌گرایانه قرار می‌گیرند (Ejnavarzala, 2019).

واقع‌گرایی یا رئالیسم، یک مکتب فلسفی است که ادعا دارد بین علم و معلوم، قابلیت‌سازگاری وجود دارد. به دیگر سخن علم می‌تواند جهان را همان‌گونه که واقعاً هست، توصیف کند. مکتب رئالیسم به معنای اصالت بخشیدن به جهان خارج است یعنی اصالت بخشیدن به قوانین طبیعی و دور ماندن از صرف تخیلات. رئالیسم از رئال‌گه به معنای واقعیت است، گرفته شده و به معنای اصالت واقعیت است. این یعنی اصل بودن آن واقعیتی است که در جهان وجود دارد و ما حس می‌کنیم. براساس دیدگاه واقع‌گرایان، واقعیت‌ها مستقل از وجود انسان هستند و انسان باید آنها را کشف کند. انسان با روش‌های علمی می‌تواند واقعیت‌ها را اکتشاف کند و واقعیت زاینده ذهن انسان نیست. این شیوه از اندیشه در حوزه روش پژوهش علمی در مدیریت و علوم اجتماعی کاربرد چندانی ندارد و بیشتر به عنوان یک سبک ادبی شناخته می‌شود (Wiles et al, 2011).

واقع‌گرایی انتقادی شاخه‌ای از فلسفه است که به شناخت دنیای واقعی و دنیای مشاهده شده می‌پردازد. براساس این رویکرد فلسفی «واقعیت» قابل مشاهده نیست. واقعیت مستقل از فهم، نظریه‌پردازی و انتزاعات انسانی است. این رویکرد در کنار سه فلسفه اصلی تفکر یعنی اثبات‌گرایی، تفسیر‌گرایی و عمل‌گرایی قرار دارد. اساس رویکرد تفکر انتقادی بر محور اندیشه‌های دیالکتیکی استوار است که در تفکر مارکس و هگل قابل ردیابی است. هستی‌شناسی پارادایم انتقادی براساس واقعیت‌گرایی تاریخی است. واقعیت‌گرایی تاریخی، به این معناست که واقعیت به وسیله ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و جنسی قرار دارد. یعنی واقعیتی که زمانی تغییرپذیر بود، شفاف و متبلور می‌شود. پارادایم انتقادی از نظر معرفت‌شناسی، به ماهیت تعاملی، مذاکره‌ای و ذهنی‌گرایانه معرفت باور دارد. یعنی فرض می‌شود پژوهشگر و موضوع پژوهش با هم به شکل تعاملی ارتباط دارند و ارزش‌های پژوهشگر نیز ناگزیر بر فرایند بررسی تأثیر می‌گذارند. از این رو یافته‌های پژوهش همواره با وساطت ارزش‌ها همراه است. موضع‌گیری معرفت‌شناختی پارادایم تفسیری، موضع‌گیری مذاکره‌ای ذهنی است. یعنی فرض می‌شود پژوهشگر و موضوع بررسی به گونه‌ای با هم تعامل دارند (Boonmavichit & Boossabong, 2022). یافته‌ها به طور شفاهی در مسیر انجام تحقیق خلق و تفسیر می‌شوند. در این رهیافت، فاعل و مفعول شناخت یکی است. دانش در یک فرایند تعاملی، رابطه‌ای و جدلی تولید و بازتولید می‌شود.

¹Realism

²Real

³Critical Realism



تفسیرگرایی نوعی فلسفه تحقیق است که توسط رونالد دورکین مطرح شد و اکنون یک پارادایم اصلی در علوم اجتماعی و مدیریت است. این پارادایم بیان می‌دارد واقعیت ذهنی بوده و به صورت اجتماعی ساخته می‌شود و می‌کوشد تا علوم اجتماعی را از قیدوبندهای پارادایم اثبات‌گرایی آزادسازد. تفسیرگرایان بر این باور هستند که واقعیت‌ها بسیار در هم تنیده بوده و فرو کاست آنها به شیوه تجربه‌گرایانه دشوار است. همچنین واقعیت عینی نیست و ذهنی بوده و به صورت اجتماعی ساخته می‌شود و به فلسفه ساخت‌گرایی اجتماعی بسیار نزدیک است. به باور پژوهشگران تفسیرگرا، مطالعه مسائل انسانی با روش‌های خطی و اثبات‌گرایانه امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر مشاهده و تحلیل مسائل انسانی تا میزان زیادی به تفسیر پژوهشگران بستگی دارد و مستقل از پژوهشگر نیست. روش‌های تحقیق کیفی مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی هستند. از دیدگاه تفسیری واقعیت چیزی «خارج از اینجا» نیست و یک پژوهشگر می‌تواند به روشنی آن را توضیح دهد یا به یک گزارش پژوهشی تبدیل کند. هم واقعیت و هم دانش از طریق ارتباطات، تعامل و تمرین، ایجاد و بازتولید می‌شوند. بنابراین دانش پیرامون واقعیت همیشه بوسیله پژوهشگر ایجاد می‌شود. تفسیرگرایی کمک می‌کند تا نحوه تلقی مردم از عملکرد خود و دیگران را تفسیر کنید. به درک فرهنگ مردم و مشارکت آنها در زندگی اجتماعی کمک می‌کند (Junjie & Yingxin, 2022).

ج- ارزش‌شناسی: ارزش‌شناسی کمک می‌کند تا یاد بگیرید که چگونه ارزش‌ها و نظرات بر مجموعه و تجزیه و تحلیل تحقیقات شما تأثیر می‌گذارد. سیلورمن (۲۰۱۳) معتقد است که تأثیری که نظرات مردم بر جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل تحقیقات دارد را درک می‌کند. این به محقق کمک می‌کند تا درک نماید که نظر افراد در حین انجام یک تحقیق بسیار مهم است. ارزش‌شناختی، فرضی است که محقق در رابطه با تأثیر ارزش‌ها و باورها بر پژوهش مطرح می‌کند. فرضیاتی در مورد میزان تأثیر ارزش‌های محقق بر فرآیند تحقیق یا آنچه در تحقیق ضروری و ارزشمند است. محقق سعی می‌کند از ارزش‌ها و باورهای مداخله‌گر در پژوهش فارغ باشد یا ارزش‌ها و باورهای مؤثر بر فرآیند تحقیق و نتیجه‌گیری را مثبت در نظر بگیرد و تصدیق کند. ساندرز و همکاران (۲۰۱۹) معتقدند که بسیار سخت است که خود را از تأثیر ارزش‌ها و باورها دور نگه‌داریم. علاوه بر این، این مفروضات به محقق کمک می‌کند تا سؤالات تحقیق را طراحی کند، روش‌های مناسب را انتخاب کند و بر تفسیر یافته‌ها تأثیر بگذارد. این مفروضات در مجموع فلسفه تحقیق مطالعه را تشکیل می‌دهند. اصطلاح فلسفه تحقیق به «نظامی از باورها و فرضیات در مورد توسعه دانش» اشاره دارد (Bryman, 2012).

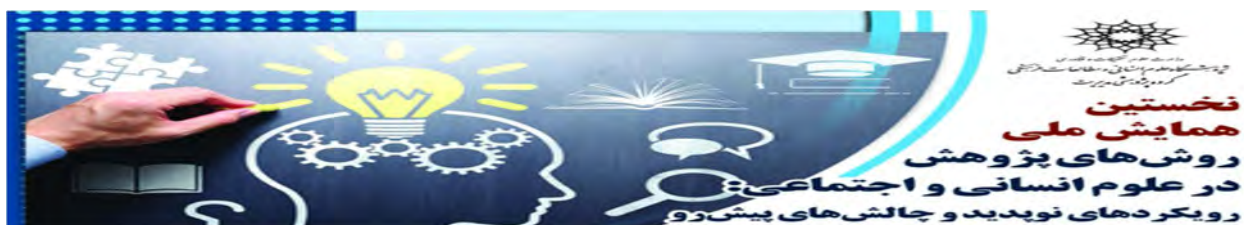
رویکردهای پژوهش

یکی از عمده‌ترین مسائل در روش پژوهش چه در پژوهش کمی و چه پژوهش کیفی تعیین رویکرد پژوهشی است. بطور کلی پژوهشگران در مطالعات خود از تلفیقی از هر دو روش استفاده می‌کنند. براساس مدل پیاز پژوهش پس از

⁴Interpretivism

⁵Silverman

⁶Saunders et al



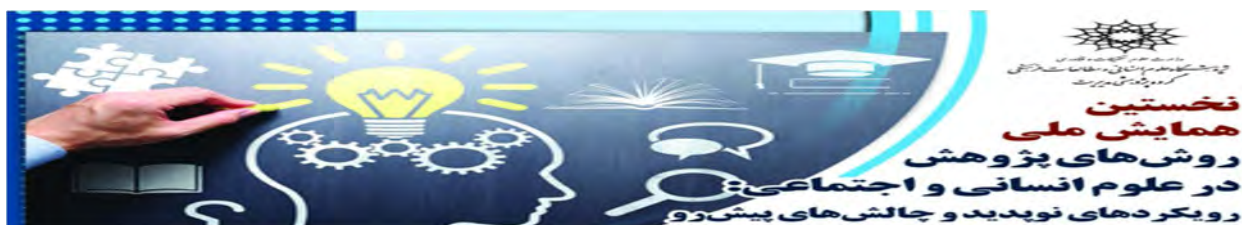
آنکه فلسفه تحقیق مشخص شد باید رویکرد تحقیق مشخص شود. رویکردهای تحقیق می‌تواند قیاسی، استقرایی یا تلفیقی از هر دو این رویکردها باشد. رویکردهای قیاسی و استقرایی دو اصطلاحی هستند که لایه دوم مدل پیاز پژوهش را شامل می‌شود. لایه قبلی پیاز بر روی این لایه تأثیر می‌گذارد، بنابراین دانستن هدف تحقیق و محدودیت‌های آن مهم است.

رویکرد استقرایی: استدلال استقرایی یعنی رسیدن از جزء به کل و اساس فلسفه تجربی است. روش استقرایی بیانگر این امر است که از واقعیت‌های جزئی و انفرادی می‌توان به واقعیت‌های کلی دستی‌افت. مسیر حرکت در روش استقرایی از جزء به کل رسیدن است. قسمت اعظم استدلالت قرایی به صورت شهودی و خودکار رخ می‌دهد. رویکرد استقرایی این امکان را می‌دهد که به جای اتخاذ یک نظریه از قبل موجود، مانند قیاس، یک نظریه ایجاد کنید. این به وضوح تفاوت این دو رویکرد را مشخص می‌کند. رویکرد استقرایی به عنوان حرکت از امر خاص به امر عمومی تعریف می‌شود (Bryman & Bell, 2011). در این رویکردهیچ چارچوبی از قبل وجود ندارد و می‌توان پس از جمع‌آوری داده‌ها، چارچوب پژوهش رامشخص نمود (Flick, 2011). این روش معمولاً برای تحقیقات کیفی استفاده می‌شود.

رویکرد قیاسی: استدلال قیاسی یعنی رسیدن از کلیه جزء و اساس فلسفه خردگرایانه است. رویکرد قیاسی با مطالعات ارسطو آغاز شده است. در رویکرد قیاسی، فکر از طریق معلومات کلی، مجهولات جزئی را کشف می‌کند، یعنی از کنار هم گذاشتن واقعیات پذیرفته شده و استنتاج یک نتیجه از آن حاصل می‌شود (نتیجه‌گیری از کلیه جزء). در این استدلالت چنانچه مقدمه‌ها درست باشند نتیجه‌ها هم الزاماً درست خواهند بود. این رویکرد، به پژوهشگر کمک می‌کند تا با استفاده از نظریه‌های موجود پدیده‌هایی را که به وقوع می‌پیوندد پیش‌بینی کند. هدف اصلی روش قیاسی این است که چارچوبی ارائه شود که براساس دیدگاه‌ها و رویه‌های جدید ارائه و از میان چندین روش برخی انتخاب گردد. تمایز بین روش‌های قیاس و استقرا ممکن است از لحاظ بیان مفاهیم و ماهیت مفید باشد اما در عمل این تمایز کاربرد ندارد و این دو به هیچ وجه رقیب هم نیستند بلکه مکمل یکدیگرند. در پژوهش‌های علمی محقق بطور استقرایی از مشاهده به فرضیه و سپس بطور قیاسی از فرضیه به استنباط منطقی می‌رسد و پیامدهایی را که در صورت درست بودن رابطه فرض شده پیش خواهند آمد قیاس می‌کند. اگر استنباط‌های قیاسی با پیکری سازمان یافته و دانش مورد قبول، سازگار باشند با گردآوری داده‌های تجربی باز هم مورد آزمون قرار می‌گیرند و بر مبنای شواهد، فرضیه‌ها، رد یا قبول می‌شوند (Wardani & Kusuma, 2020).

راهبرد های پژوهش

منظور از استراتژی پژوهش همان روش تحقیق است. راهبرد تحقیق توصیف می‌کند که چگونه محقق قصد دارد کار را انجام دهد (Saunders et al, 2007). انواع روش پژوهش علمی در علوم رفتاری را معمولاً با توجه به دو ملاک هدف و ماهیت تقسیم بندی می‌کنند. همچنین تحقیقات براساس هدف به دو دسته تحقیقات کاربردی و بنیادی تقسیم



می‌شوند. پژوهش‌ها براساس نحوه گردآوری داده‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: تحقیق توصیفی و تحقیق آزمایشی. تحقیق توصیفی یا غیر آزمایشی شامل پنج دسته پیمایشی، همبستگی، پس‌رویدادی، اقدام پژوهی، بررسی موردی است و تحقیق آزمایشی به دو دسته شامل تحقیق تمام آزمایشی و تحقیق نیمه آزمایشی تقسیم می‌گردد (Delaney, 2002).

تحقیق پیمایشی: روشی است برای بدست آوردن اطلاعاتی درباره دیدگاه‌ها، باورها، نظرات، رفتارها، انگیزه‌ها یا مشخصات گروهی از اعضای یک جامعه این روش آماری است که از راه انجام تحقیق و پژوهش علمی میسر می‌شود. همچنین پیمایش را می‌توان روشی علمی در تحقیقات اجتماعی قلمداد کرد که شامل روشهای منظم و استاندارد برای جمع‌آوری اطلاعات درباره افراد، خانواده‌ها یا مجموعه‌های بزرگتری از گروههای مختلف جامعه است. در حقیقت پیمایش را می‌توان هم به ابزار استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها و هم به فرایندهای بکارگرفته شده هنگام بهره‌گیری از آن ابزار تلقی کرد. هدف این نوع تحقیق بررسی توزیع ویژگی‌های یک جامعه است و بیشتر تحقیق‌های مدیریت از این نوع می‌باشد. در پژوهش پیمایشی پارامترهای جامعه بررسی می‌شوند. در اینجا پژوهشگر با انتخاب نمونه‌ای که معرف جامعه است به بررسی متغیرهای پژوهش می‌پردازد. پژوهش پیمایشی به دودسته مقطعی و طولی تقسیم می‌شود. روش مقطعی^{۱۲} گردآوری داده‌ها درباره یک یا چند صفت در یک مقطع زمانی خاص دلالت دارد. اینگونه پژوهش به توصیف جامعه براساس یک یا چند متغیر می‌پردازد. در روش تحقیق طولی^{۱۳} داده‌ها در طول زمان گردآوری شده تا رابطه بین متغیرها در طول زمان سنجیده شود. در تحقیقات پیمایشی طولی داده‌ها در زمان‌های مختلف گردآوری می‌شود تا تغییرات بر حسب زمان بررسی شده و به رابطه این متغیرها از نظر تغییرات در طول زمان پی برده شود (Saunders et al, ۲۰۱۹).

تحقیق همبستگی: رابطه میان متغیرها را بر اساس هدف پژوهش تحلیل می‌کند. در تحقیقات هم بستگی اگر هدف پیش‌بینی متغیرهای وابسته بر اساس متغیرهای مستقل باشد به متغیر وابسته متغیر ملاک و به متغیر مستقل متغیر پیش‌بین گویند. همچنین وجه تمایز روش همبستگی با تحقیق آزمایشی در این است که در اینجا متغیرهای مستقل دست کاری نمی‌شوند. براساس هدف به سه دسته همبستگی دو متغیری، تحلیل رگرسیون و تحلیل کواریانس تقسیم می‌شود. در همبستگی دو متغیری هدف بررسی رابطه هم زمانی متغیرها است به عبارت دیگر میزان هماهنگی تغییرات دو متغیر است. در بیشتر تحقیقات همبستگی دو متغیری از مقیاس فاصله‌ای با پیش فرض توزیع نرمال و محاسبه ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. در تحلیل رگرسیون هدف پیش‌بینی یک یا چند متغیر ملاک بر اساس یک یا چند متغیر پیش‌بین است. اگر هدف بررسی یک متغیر ملاک از یک متغیر پیش‌بین باشد از رگرسیون ساده استفاده می‌شود. چنان چه بررسی یک متغیر ملاک بر اساس چند متغیر پیش‌بین باشد از رگرسیون چندگانه^{۱۴} استفاده می‌شود. اگر هم زمان چند متغیر ملاک بر اساس چند متغیر پیش‌بین بررسی شود از رگرسیون چند متغیری^{۱۵} استفاده

^{۱۲}Survey Research
^{۱۳}Cross Sectional
^{۱۴}Longitudinal
^{۱۵}Correlational Research
^{۱۶}Multiple
^{۱۷}Multivariate



می‌شود. در تحلیل کوواریانس هدف بررسی مجموعه‌ای از همبستگی‌های متغیرها در جدولی به نام ماتریس همبستگی یا کوواریانس است که با پیش رفت در زمینه نرم‌افزارهای آماری میسر شده است. تحلیل عاملی و حل معادلات ساختاری از این دسته هستند (Pratama et al, 2023).

تحقیق آرشیوی (کتابخانه‌ای): یک تحقیق سیستماتیک است که در آن منابع اولیه نگهداری شده در آرشیو برای گردآوری شواهد یا درک عمیق، مطالعه می‌شوند. در اینجا محقق از منابع ثانویه مرتبط با موضوع تحقیق استفاده نمی‌کند. این روش به تجزیه تحلیل اطلاعات موجود در بایگانی‌ها و سوابق موجود درباره وقایع و رویدادهای گذشته اطلاق می‌شود. اگر یک روانشناس اجتماعی بخواهد درباره مسائل روانشناسی اجتماعی دوران صفویه تحقیق کند راهی به جزء مراجعه به آرشیوها، کتاب‌های تاریخ، نوشته‌ها، نامه‌ها و سفرنامه‌های که حاوی اطلاعاتی درباره دوره صفویه هستند، ندارد (Saunders et al, 2007).

اقدام پژوهی: نظریه پژوهش عملی اقدام پژوهی یک روش تحقیق علمی است که می‌تواند موقعیت‌های نامعین ملموس مربوط به اقدامات و عملیات را مشخص کند. به این ترتیب می‌توان در بهبودی آن موقعیت کوشید. اقدام پژوهی بیان‌کننده فرایندی است که در طی آن داده‌ها به صورت منظم گردآوری و تحلیل می‌شود. سپس براساس نتایج بدست آمده تغییراتی بوجود می‌آید. اهمیت این روش استفاده از روش تحقیق علمی در انجام تغییرات برنامه‌ریزی شده است. هنگامی که مسأله‌ای شناخته می‌شود گام نخست گردآوری اطلاعات از طریق مشاهده، مصاحبه، پرسشنامه و پیشینه پژوهش است. پس از آن که اطلاعات گردآوری شده خلاصه شد، به گروه مربوطه عرضه می‌شود. به این مرحله بازخوریافته‌ها به گروه کلیدی گویند. منظور از گروه کلیدی افرادی است که با مسأله درگیر هستند. یعنی اطلاعات به مدیریت سطح بالا گزارش نمی‌شود بلکه به خود فرد یا گروه درگیر با موضوع ارجاع می‌شود. مرحله سوم تشخیص مسأله واقعیت وسط خود افراد درگیر با مسأله است. پس از آن که مسأله مشخص شد، مرحله چهارم برنامه‌ریزی فعالیت و مرحله پنجم اقدام است. چون توسعه سازمان یک فرایند مقطعی نیست مرحله ششم تکرار و ارزیابی است. مراحل اقدام پژوهی زیر را می‌توان به سه مرحله تشخیصی، تغییر و ارزیابی تقسیم کرد. مرحله تشخیصی شامل انتخاب موضوع، بیان مسأله، گردآوری اطلاعات اولیه، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌های اولیه، انتخاب راه‌حل یا راه‌حل‌های جدید و موقتی جهت اجرا می‌باشد. مرحله تغییر شامل اجرای راه‌حل و نظارت بر آن در حین اجراء، گردآوری اطلاعات پس از اجرای راه‌حل، ارزشیابی تاثیر اقدام جدید و تعیین اعتبار آن، دادن گزارش نهایی یا اطلاع رسانی به همراه نتیجه اتفاق افتاده است. مرحله ارزیابی هم شامل ارائه الگوی گزارش نتایج می‌باشد (Floyd, 2012).

مطالعه موردی: یک روش پژوهش علمی است که به صورت باز، ژرف و جزئی‌نگر به مطالعه یک مورد خاص می‌پردازد. در این روش پژوهشگر به انتخاب یک مورد پرداخته و آن را از جنبه‌های مختلف بررسی می‌کند. این مورد می‌تواند یک واحد و یا سیستم با حد و مرز مشخص و متشکل از عناصر و عوامل متعدد و مرتبط به هم باشد. هدف کلی در این روش مشاهده تفصیلی ابعاد «مورد» تحت مطالعه و تفسیر مشاهده‌ها از دیدگاه کل‌گرا است. از این رو

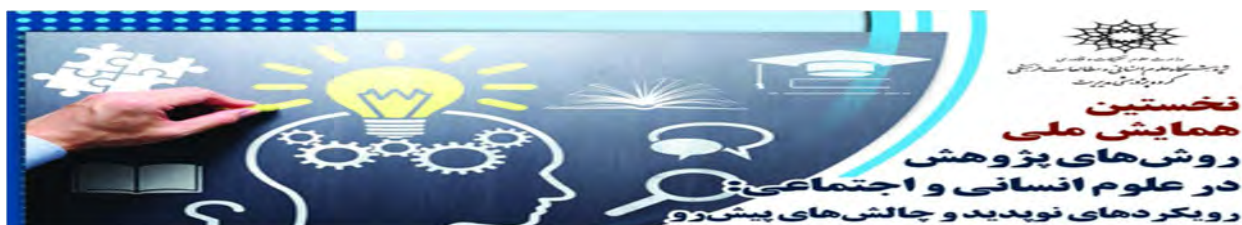


مطالعه موردی بیشتر به روش کیفی و با تأکید بر فرایندها و درک و تفسیر آن‌ها انجام می‌شود. در پژوهش به روش موردکاوی به صورت منحصربه‌فرد بر یک مورد خاص تأکید می‌کند. برخی موردکاوی را یکی از رویکردهای تحقیق کیفی معرفی کرده‌اند. برخی اوقات مطالعه موردی شامل بررسی چندین مورد است که آن را مطالعه میان موردی می‌نامند. در این روش، پژوهشگر داده‌های موردنظر را به شیوه‌های گوناگون از چندین مورد گردآوری می‌کند. انجام پژوهش به کمک روش مطالعه موردی شامل چهار مرحله بیان مسئله و انتخاب مورد (واحد تحلیل)، انجام عملیات میدانی (گردآوری داده‌ها)، سازماندهی داده‌ها (تحلیل داده‌ها) و تدوین گزارش است (Priya, 2020).

تحقیق قوم‌نگاری: یک روش پژوهش کیفی است که در آن پژوهشگر به مشاهده و تعامل با افراد مورد مطالعه در محیط طبیعی و واقعی زندگی آنها می‌پردازد. این نوع تحقیقات ابتدا در مردم‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته است. قوم‌نگاری به مطالعه نظام‌مند مردم و فرهنگ‌ها گفته می‌شود. هدف این روش ثبت و توصیف رویدادها و فرایندها در شرایط واقعی و طبیعی آنهاست. در این روش پژوهشگر پدیده فرهنگی را در جامعه از زاویه دید موضوع مطالعه بررسی می‌کند. در پژوهش مردم‌نگاری، زمینه پژوهش و گروه انسانی باید محدود و کوچک باشد تا تعداد محدودی پژوهشگر از این طریق بتوانند منطقه را مورد مطالعه قرار دهند. از این رو مطالعه مونوگرافی (تک‌نگاری) در حوزه مطالعات مردم‌شناسی اهمیت بسیار دارد. تحقیقات قوم‌نگاری دارای ویژگی‌های محیط‌گرایی، ماهیت کیفی - پدیدارشناختی، استفاده از روش شرکت‌کننده - مشاهده‌گر و دیدگاه کل‌گرا هستند (Tshabangu & Madondo, 2022).

نظریه داده بنیاد: نظریه داده بنیاد بعنوان روش تحقیق کیفی است که برای نظریه‌پردازی پیرامون پدیده مورد مطالعه استفاده می‌شود. این روش زمانی استفاده می‌شود که ادبیات پژوهش پیرامون موضوع از غنای لازم برخوردار نباشد. همچنین هدف ارائه یک نظریه جدید است که تاکنون در جوامع پژوهشی مطرح نشده است. روش اصلی گردآوری داده‌ها در این روش استفاده از انواع مصاحبه است. با تحلیل و کدگذاری متن مصاحبه‌ها به ارائه مدل پارادایمی پرداخته می‌شود. در روش گراند تئوری با استفاده از یک دسته داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. به طوریکه این نظریه در یک سطح وسیع، یک فرایند، عمل یا تعامل را تبیین می‌کند. اینگونه نظریه‌پردازی مبتنی بر استعاره کولاژ و همانند مدل سطل زباله تصمیم‌گیری می‌باشد که از تلاقی تصادفی اجزاء و البته با هنرنمایی نظریه‌پرداز ترکیبی نو، بدیع و جذاب خلق می‌شود (Flick, 2011).

استراتژی نظریه‌داده بنیاد زمینه‌بنیان از نوعی رویکرد استقرایی بهره می‌گیرد. یعنی روند شکل‌گیری نظریه در این استراتژی حرکت از جزء به کل است. برای اینکه تحلیل‌ها به نظریه تبدیل شوند، مفاهیم باید به طور منظم به یکدیگر ربط یابند. اولین گام در کدگذاری انتخابی تشریح خط اصلی داستان است. گام دوم ربط دادن مقوله‌های تکمیلی حول مقوله محوری با استفاده از یک مدل است. در مرحله بعد هر یک از مقوله‌ها می‌باید به ابعادشان مرتبط شوند. گام چهارم به تایید رساندن آن روابط با استفاده از داده‌هاست. آخرین مرحله تکمیل مقوله‌هایی است که نیاز به اصلاح و یا بسط و



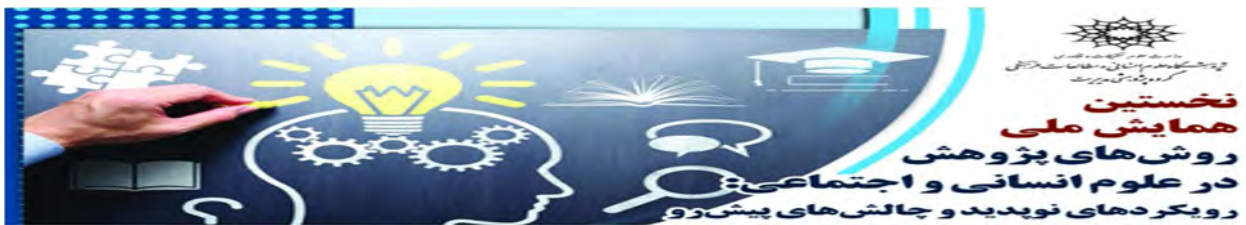
گسترش دارند. در نهایت نظریه زمینه‌بنیان ممکن است با گزاره‌ها یا قضایایی پایان یابد که روابط بین مقوله‌ها را در الگوی کدگذاری محوری روشن می‌کنند (Slaughter, 2001).

انتخاب پژوهش

منظور از انتخاب‌های پژوهشی نوع داده‌های پژوهش است که شامل تحقیق کمی، تحقیق کیفی و تحقیق آمیخته می‌شود. این لایه به ما کمک می‌کند تا بدانیم که آیا ترکیب روش‌شناسی کمی و کیفی خوب است یا تنها از یک روش استفاده کنیم. طبق گفته ساندرز و همکاران (۲۰۰۷)، سه انتخاب مشخص شده در مدل پیاز پژوهش وجود دارد که شامل انتخاب یا رویکرد تحقیق به روش تک، ترکیبی و چندگانه است. روش تک؛ هنگام استفاده از این روش باید یک نوع اطلاعات را جمع‌آوری کنید که از روش‌شناسی کمی یا کیفی استفاده می‌کند و نمی‌توانید این دو روش را با هم ترکیب کنید. روش ترکیبی؛ این روش به فرد اجازه می‌دهد تا روش کمی و کیفی را در یک تحقیق ترکیب کند تا مجموعه‌ای دقیق از داده‌ها ایجاد شود. روش ترکیبی روش‌ها را برای ایجاد یک مجموعه داده واحد ترکیب می‌کند، در حالی که روش چندگانه در جایی که تحقیق به بخش‌هایی تقسیم می‌شود، استفاده می‌شود و هر کدام مجموعه داده خاصی را تولید می‌کنند. چند روشی؛ این روش با روش ترکیبی مشابه است زیرا دو روش‌شناسی کمی و کیفی را در یک مطالعه ترکیب می‌کنند. با این که شبیه هم هستند اما تفاوت‌هایی دارند. بدین صورت که روش ترکیبی روش‌شناسی را برای ایجاد مجموعه خاصی از داده‌ها ترکیب می‌کند، درحالی که روش چندگانه این کار را نمی‌کند. در لایه چهارم مدل پیاز پژوهش، پژوهشگر از حیث توسل به کمی‌سازی رفتار پدیده مورد نظر، می‌تواند هریک از روش‌های کمی، کیفی یا ترکیبی را اتخاذ نماید (Walker & Kamberelis, 2023).

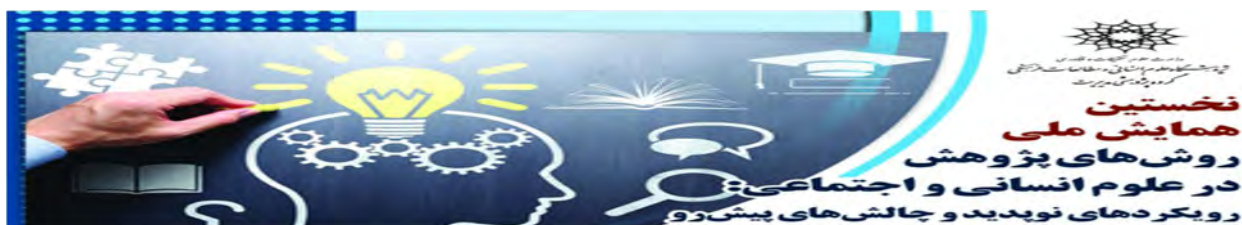
هدف از **تحقیق کمی** درک الگوها، علل و رابطه بین متغیرهای مختلف است. تحقیقات کمی در واقع پژوهشی پوزیتیویستی است که هدف آن تایید فرضیه‌های حاصل از نظریه‌های موجود است. چنین مطالعاتی مبتنی بر رویکرد است دلال قیاسی است. این مطالعات قصد دارند با استفاده از یک مجموعه داده خاص جمع‌آوری شده از نمونه‌ها، نظریه‌های موجود را آزمایش کنند. تحقیق تبیینی نوعی تحقیق است که در تحقیقات کمی برای تبیین رابطه آماری بین متغیرها در محدوده تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد. در روش کمی، داده‌های متناسب با موضوع به صورت کمی و عددی تبدیل می‌شوند که داده‌های کمی معمولاً از طریق پرسشنامه گردآوری می‌شوند. پرسشنامه‌ها با استفاده از طیف‌های مختلف از جمله لیکرت، بوگاردوس، ترستون و... طراحی می‌شوند. با این طیف‌ها، جملات و سوالات پژوهشگر تبدیل به اعدادی می‌شوند که پاسخگویان با انتخاب گزینه مورد نظر در واقع عددی را به پژوهشگر ارائه می‌کنند. پژوهشگر از طریق این اعداد به نتیجه‌گیری می‌پردازد (Comeau et al, 2016).

روش تحقیق کیفی شامل گردآوری و تحلیل داده‌های غیر عددی برای شناخت مفاهیم، دیدگاه‌ها و تجارب مختلف است. منظور از داده‌های غیر عددی مواردی مانند متن، صوت، تصویر یا ویدیو است. تحقیقات کیفی بر منابع دسته اول



برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها، اتکا دارند. ویژگی مشترک در روش تحقیق کیفی و انواع مختلف آن تحلیل داده‌های بدون ساختار می‌باشد. تحلیل کیفی عبارت از مجموعه فعالیت‌هایی (چون مشاهده، مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی) است، که هر کدام به نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست اول، درباره موضوع مورد تحقیق یاری می‌دهند. بدین ترتیب، از اطلاعات جمع‌آوری شده، توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی شده حاصل می‌شود (Djamba & Neuman, 2002). طرح پژوهش کیفی یک الگوی ساختارمند است که با تعیین فلسفه پژوهش آغاز می‌شود، هم‌چنان که ساندرز (۲۰۰۹) نیز در الگویی که با عنوان مدل پیاز پژوهش شناخته می‌شود، نخستین لایه هر پژوهشی را تعیین فلسفه پژوهش می‌داند. فلسفه پژوهش می‌تواند مبتنی بر عقل‌گرایی، اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی یا انتقادی باشد. پژوهش‌های کیفی عمدتاً مبتنی بر پارادایم تفسیری نیست بلکه پژوهش کیفی می‌تواند با روش اثبات‌گرایی یا انتقادگرایی صورت گیرد. پژوهشگر پیش از هر چیزی باید فلسفه پژوهشی خود را روشن کند و چگونگی معرفت‌شناختی خود را تبیین نماید. پس از آن که شیوه شناخت و دستیابی به معرفت پیرامون پدیده مورد بررسی، تعیین شد باید نوع پژوهش مشخص شود. پژوهش می‌تواند با هدف بنیادی، کاربردی یا کاربردی-توسعه‌ای صورت گیرد. در یک پژوهش کیفی اگر هدف دستیابی به تازه‌هایی در علم و معرفت باشد، در دسته پژوهش‌های بنیادی قرار می‌گیرد. اگر هدف پاسخ به یک مسأله باشد، پژوهش کاربردی خواهد بود و اگر به توسعه یک رویکرد، نظریه یا مدل کمک کند در دسته پژوهش‌های کاربردی-توسعه‌ای قرار خواهد گرفت. روش‌های متعددی برای تحقیقات کیفی ارائه شده است. عمده‌ترین این روش‌ها شامل هرمنوتیک (زندشناسی) که مربوط به شناخت ریشه‌ها و مفاهیم متن بویژه متون دینی، تحلیل مضمون (تم) و تحلیل محتوا که مربوط به کدگذاری و شناخت مقوله‌های زیربنایی متن مصاحبه یا نوشتار، روش داده بنیاد که در ارتباط با نظریه پردازی پیرامون پدیده محوری مطالعه، پدیدارشناسی که مربوط به شناخت پدیده بر اساس مصاحبه ژرف و تجربه زیستی افراد، مرور سیستماتیک، فرا مطالعه، فرا ترکیب و فرا تحلیل که روش‌های مبتنی بر تحقیق کتابخانه‌ای بوده و آینده‌پژوهی که مربوط به سناریونویسی و ترسیم آینده احتمالات (Walker & Kamberelis, 2023).

در روش آمیخته نیز بنا به نوع موضوع و پژوهش ممکن است از هر دو روش کیفی و کمی استفاده شود. این روش به عنوان رویکردی از روش‌های کمی و کیفی، موقعیتی را برای پژوهشگران به وجود آورده که بر اساس آن می‌توانند متدولوژی‌ها، طرح‌ها، مدل‌ها و روش‌های به کار گرفته شده در یک مطالعه پژوهشی واحد را در کنار هم قرار دهند. پراگماتیسم محققان را قادر می‌سازد تا روش تحقیقی را توسعه دهند که می‌تواند به اهداف تحقیق و بیان مسأله به طور موثر رسیدگی کند. پراگماتیسم انعطاف‌پذیر است و مبتنی بر محدودیت‌های حقیقات کمی و کیفی نیست. تحقیقات ترکیبی مزایای تحقیقات کمی و کیفی را در یک مطالعه واحد ادغام می‌کند تا بر محدودیت‌های مربوطه غلبه کند. چنین تحقیقاتی متوالی است که یک پدیده را در کمی کند و فرضیه حاصل از یافته‌های مطالعه را آزمایش می‌کند. به طور کلی در تحقیقات ترکیبی در گام نخست از روش‌های کیفی استفاده می‌شود. انواع روش پژوهش کیفی بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای یا با ابزار مصاحبه انجام می‌شوند. از طریق تحلیل محتوای متون تخصصی به مقوله‌های



زیربنایی پدیده مورد مطالعه دست پیدا می‌شود. متون تخصصی می‌توانند کتاب‌ها یا مقالات موجود باشند. اگر ادبیات و پیشینه پژوهش غنی باشد از این روش استفاده می‌شود. در غیر این صورت متون تخصصی همان مصاحبه‌هایی است که به صورت مکتوب درآمده است. پس از انجام مراحل تحقیق کیفی نوبت به مراحل کمی می‌رسد. در این مرحله با استفاده از مدل‌های اکتشافی یک الگوی اولیه ترسیم می‌شود. در نهایت با استفاده از روش‌های تاییدی به اعتبارسنجی و ارائه الگوی نهایی پرداخته می‌شود (Comeau et al, 2016).

بازه زمانی پژوهش

لایه پنجم در مدل پیاز پژوهش نشان می‌دهد مطالعه پدیده مورد نظر در یک مقطع زمانی خاص انجام شده است یا در یک دوره زمانی طولانی‌تر (چند مقطع زمانی) انجام گرفته است. تحقیقات را می‌توان براساس زمان به دو نوع گروه‌بندی کرد، یعنی نمونه‌های مستقل طولی یا متوالی و مقطعی (Bryman & Bell, 2011). مطالعه طولی به مطالعه یک پدیده یا جمعیت در یک دوره زمانی اشاره دارد. مطالعات روندپژوهی، مطالعه نسلی و مطالعه پانل، از نوع پژوهش‌های چندمقطعی هستند. در روش تحقیق طولی، داده‌ها در طول زمان گردآوری شده تا رابطه بین متغیرها در طول زمان سنجیده شود. تحقیقات تحولی که به بررسی روندها و تحول پدیده‌ها در طول زمان می‌پردازند از این دسته هستند.

مطالعه مقطعی یک مطالعه «تصویری فوری» است، به این معنی که یک پدیده یا مقطعی از جامعه برای یک بار مطالعه شده است. روش مقطعی بر گردآوری داده‌ها درباره یک یا چند صفت در یک مقطع زمانی خاص دلالت دارد. این گونه پژوهش به توصیف جامعه بر اساس یک یا چند متغیر می‌پردازد. اکثر مطالعات اکتشافی، توصیفی و تبیینی که یک پدیده خاص را در یک بازه زمانی خاص مورد مطالعه قرار می‌دهند، از نوع تک مقطعی‌اند. پژوهش‌هایی که داده‌های مربوط به یک پدیده را در فواصل زمانی مختلف بررسی می‌کنند نیز در این گروه قرار دارند (Setia, 2016).

روش گردآوری داده‌ها

لایه ششم و آخرین لایه پیاز پژوهش و درونی‌ترین لایه پژوهش است. فرآیند مورد استفاده در این مرحله از تحقیق به میزان قابل توجهی به پایایی و اعتبار مطالعه کمک می‌کند. جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به رویکرد روش‌شناختی مورد استفاده بستگی دارد (Bryman, 2012). این لایه نحوه جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های مورد استفاده در تحقیق را توضیح می‌دهد. همچنین منبع داده‌ها، طرح تحقیق، نمونه، حجم نمونه، اخلاق نمونه، محدودیتهای نمونه، پایایی و روایی تحقیق را توضیح می‌دهد. داده‌های جمع‌آوری شده می‌تواند داده‌های اولیه یا داده‌های ثانویه باشد. داده‌های اولیه، یک داده مستقیم است که مستقیماً از منبع به دست می‌آید. داده‌های اولیه به عنوان داده‌های جمع‌آوری شده از منبع یا دست اول تعریف می‌شود. داده‌های ثانویه بر عکس داده‌های اولیه هستند، داده‌های ثانویه، داده‌های غیرمستقیم هستند. داده‌های ثانویه از کار یا نظرات سایر محققان به دست می‌آیند. در لایه ششم نیز پژوهشگر بسته به



این که در لایه‌های بالاتر چه رویکرد، استراتژی و روشی را به کار گرفته باشد، از شیوه‌های مختلفی برای گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش استفاده می‌کند. مصاحبه، مشاهده، پرسشنامه و... از جمله شیوه‌هایی است که برای گردآوری داده‌های اولیه ممکن است مورد استفاده قرار گیرد. البته در برخی از پژوهش‌ها ممکن است به طور هم زمان از چند شیوه برای گردآوری داده‌ها استفاده شود (Saunders et al, ۲۰۱۹).

در حقیقت بنا به این مدل، فلسفه و جهان‌بینی پژوهشگر، پایه و اساس پژوهش را شکل می‌دهد. چرا که هر یک از مراحل بعدی پژوهش از انتخاب رویکرد پژوهش تا گردآوری و تحلیل داده بر اساس جهان‌بینی و نگرش پژوهشگر صورت می‌گیرد. از این رو، پژوهشگران می‌بایست در ابتدای هر کار پژوهشی، مبنای فلسفی کار و نوع نگرش و جهان‌بینی خود را مشخص سازند.



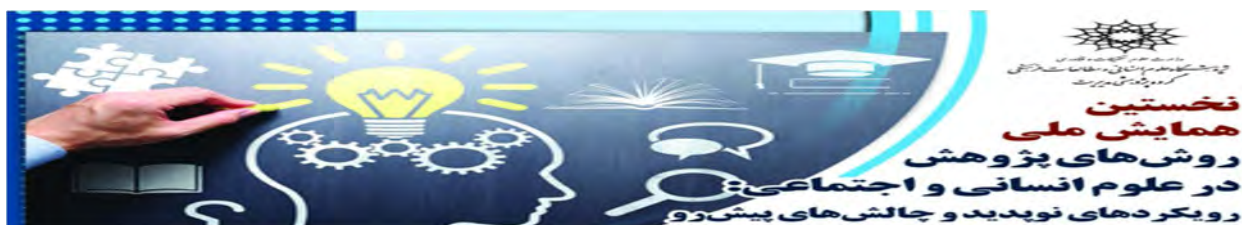


نتیجه‌گیری

تفاوت بین محقق و غیر محقق در این است که محقق هر کاری را که انجام می‌دهد به صورت سیستماتیک انجام می‌دهد، منطقی آن را توجیه می‌کند، آن را مورد تایید قرار می‌دهد، همیشه پذیرای انتقاد است، آماده اصلاح خود است و آنچه انجام شده را به صراحت بیان می‌کند که چگونه انجام شده است بعبارتی به توصیف آنچه انجام شد، چرا انجام شد و چه چیزی پیدا شد، می‌پردازد. یک محقق با یک مسئله تحقیق شروع می‌کند، سؤالاتی را مطرح می‌کند و آن را به اهداف قابل اجرا تبدیل می‌کند. برای یافتن پاسخ سؤالات تحقیق، به یک روش تحقیق صحیح نیاز داریم. مدل پیاز پژوهش یکی از این چارچوب‌هاست که به طراحی یک روش تحقیق قوی کمک می‌کند. به عبارتی به محقق کمک می‌کند تا یک سری تصمیم بگیرد که امکان تحقیق سیستماتیک را فراهم می‌کند.

ما تحقیق را با سه فرض آغاز کردیم، یعنی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی که فلسفه پژوهشی ما را تشکیل می‌دهند. پس از تصمیم‌گیری در مورد فلسفه خاص، می‌توان یک رویکرد پژوهشی مناسب براساس سؤال و فلسفه تحقیق اتخاذ کرد. رویکرد قیاسی برای آزمون تئوری، رویکرد استقرایی برای تئوری‌سازی و رویکرد ابداعی برای اصلاح نظریه اتخاذ شده است. بعلاوه، این دو تصمیم حیاتی جنبه مهم بعدی را که طراحی تحقیق است واز سه تصمیم مهم تشکیل‌گرفته‌راهنمایی خواهند کرد که عبارتند از انتخاب روش‌شناختی (آیا باید از روش کیفی، روش کمی یا ترکیبی پیروی کرد)، استراتژی تحقیق و افق زمانی (تحقیقات مقطعی یا طولی). علاوه بر این، آخرین تصمیم در مورد پیچیدگی‌های بسیار دقیق پژوهش است که جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل و بیان اخلاقی است. با این حال، مراحل تعریف شده در مدل ساندرز و همکاران (۲۰۰۷) توضیح داده شده است و سودمندی توسعه مرحله‌ای مدل پیاز پژوهش نیز در این مطالعه نشان داده شده است ولیکن اثربخشی مدل در استفاده موثر از آن نهفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

۱. Boonmavichit, T., & Boossabong, P. (2022), Approaching foresight through critical realism: lessons drawn from Thailand. *Journal of Futures Studies*, 26(4), 41-5۴.
۲. Bryman, A. (2012). *Social Research Method*(5th ed), Oxford: Oxford University Press.
۳. Bryman, A., & Bell, E. (2011). *Business Research Methods* (3rd ed.) Oxford: Oxford University Press.
۴. Comeau, J.A., Grissett, J.O., & MacLennan, J. (2016). *Social Research Methods*.
۵. Delaney, K. (2002), *Futures: In Search of Strategy*, *Journal of Futures Studies*, 6(4), ۶۵-۸۶.
۶. Djamba, Y.K., & Neuman, W.L. (2002). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*. *Teaching Sociology*, 30, 380.
۷. Floyd, J. (2012), *Action research and integral futures studies: A path to embodied foresight*. *Futures*, 44(10), 870-882.
۸. Ejnavarzala, H.(2019),. *Epistemology- Ontology Relations in social Research: A Review*. *Sociological Bulletin*, 68(1), 94-10۴.
۹. Feizer, M.Y. (2010). *Doing mixed methods research pragmatically: Implication for the rediscovery of pragmatism as a search paradigm*. *Journal of Mixed Methods Research*, ۴(۱), ۶-۱۶.
۱۰. Flick, U. (2011). *Introducing research methodology: A beginner's guide to doing a research project*. London: Sage.
۱۱. Giddens, A., & Sutton, P.(2014), *Essential concepts in sociology*. Polity Press.
۱۲. Hideg, E. (2015), *Paradigms in futures field*.
۱۳. Junjie, M., & Yingxin, M. (2022). *The Discussions of Positivism and Interpretivism*. *Global Academic Journal of Humanities and Social Sciences*.
۱۴. Kuosa, T. (2011), *Evolution of futures studies*. *Futures*, 43(3), 327-3۳۶.
۱۵. May, T. (2011). *Social research: Issues, methods and research*. London: McGraw-Hill International.
۱۶. Melnikovas, A. (2018), *Towards an explicit research methodology: Adapting research onion model for futures studies*. *Journal of Futures Studies*, 23(2), 29-4۴.
۱۷. Miller, R. (2017), *Transforming the future: Anticipation in the 21st century* (p. 300).
۱۸. Pratama, R., Aisyah, S.A., Putra, A.M., Sirodj, R.A., & Afgan, M.W. (2023). *Correlational Research*. *JIIIP - Jurnal Ilmiah Ilmu Pendidikan*.
۱۹. Possakoff, P.M., Makenzie, S. B. & Possakoff, N.P.(2012). *Sources of method bias in social science research*
۲۰. Priya, A.(2020), *Case Study Methodology of Qualitative Research: Key Attributes and Navigating the Conundrums in Its Application*, *Journal indexing and metrics*,70(1), ۹۴-۱۱۰.
۲۱. Saunders, M., Lewis, P. & Thornhill, A. (2019). *Research Methods for Business Students*. (8 ed.) Pearson.



۲۲. Saunders, M., Lewis, P., & Thornhill, A. (2007). Research Methods for Business Students, (6th ed.) London: Pearson.
۲۳. Setia M S. (2016). Methodology series module 3: Cross-sectional studies. Indian Journal of Dermatology, 61,261-264.
۲۴. Silverman, D. (2013). Doing Qualitative Research: A practical handbook. London: Sage.
۲۵. Slaughter, R. A. (2001), Knowledge creation, futures methodologies and the integral agenda. Foresight, 3(5), 407-418.
۲۶. Tshabangu, I., Ba', S., & Madondo, S.M. (2022). Ethnographic Research. Research Anthology on Innovative Research Methodologies and Utilization Across Multiple Disciplines.
۲۷. Walker, A., & Kamberelis, G., (2023), Qualitative, Multimethod, and Mixed Methods Research, International Journal Encyclopedia of Edition, 106-115.
۲۸. Wardani, S.R., & Kusuma, I.W. (2020). Comparison of Learning in Inductive and Deductive Approach to Increase Student's Conceptual Understanding based on International Standard Curriculum. Jurnal Pendidikan IPA Indonesia, 9, 70-78.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی